

آرایه های ادبی (بارم پنج ت + موم کج)

۱ - تشبیه

تشبیه آن است که کسی یا چیزی را از لحاظ داشتن صفتی به کسی یا چیزی دیگر مانند کنیم ، هر تشبیه چهار رکن دارد : رکن اول کلمه ای است که آن را تشبیه می کنیم (مشبّه) . رکن دوم کلمه ای است که رکن اول را به آن تشبیه می کنیم . (مشبّه به) رکن سوم شباهت رکن اول و دوم است و معمولاً حذف می شود . (وجه شبه) رکن چهارم کلماتی است که تشبیه را برقرار می سازد . (مانند ، مثل ، چون ، هم چون ، به سان و ...) (ادات تشبیه) گاهی رکن چهارم هم حذف می شود ؛ مثال ها :

پیراهن او مثل برف سفید است . ← تشبیه کامل
دریای عشقت بی کران است . ← تشبیه بدون رکن ۴
۱ ۲ ۳ ۴ ۱ ۲ ۳

صورتش مانند لبو شده بود . ← تشبیه بدون رکن ۳
پدرش در جوانی شربت شهادت نوشیده بود . ← تشبیه بدون رکن ۳ و ۴
۱ ۲ ۳ ۴ ۱ ۲ ۳

۲ - تشخیص یا شخصیت بخشی یا جان بخشی

تشخیص آن است که در عالم خیال ، عناصر طبیعت یا اشیا یا جانوران مانند انسان ها رفتار کنند ؛ مثال ها :

باد گویی بر تن درختان تازیانه می زد . و یا : گویی آسمان هم به حال ما گریه می کرد .
شب ز اسرار علی آگاه است . و یا : تا نگرید ابر ، کی خندد چمن
شبم از روی برگ گل برخاست گفت می خواهم آفتاب شوم

۳ - تلمیح

تلمیح آن است که شاعر یا نویسنده ای به طور غیر مستقیم به آیه ، حدیث ، داستان یا یک رویداد تاریخی اشاره کند . (دقت کنید که تلمیح اشاره به آیه ، حدیث یا ... است ، نه بیان آن آیه یا ...) مثال ها :

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند
نه همه مستمعی فهم کند این اسرار " سعدی "
اشاره به آیه ی " و اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِیْحَهُمْ " یعنی موجودی نیست در عالم که تسبیح و ستایش خدا نکند ولی شما تسبیح آن ها را نمی فهمید .

مثال دیگر : چنین گفت پیغمبر راستگوی
ز گهواره تا گور دانش بجوی "

اشاره به حدیث " اَطْلُبُ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ اِلَى الْلَحْدِ " از پیامبر یعنی دانش را از گهواره تا هنگام مرگ جست جو کنید .

مثال دیگر : ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند / چون تو را نوح است کشتیان ز توفان غم مخور ؛ که به رویداد تاریخی طوفان نوح (ع) اشاره می کند

۴ - تضاد

تضاد آن است که شاعر یا نویسنده دو کلمه ی متضاد را در کلام بیان کند ؛ مثال ها : چو دخت نیست ، خرج آهسته تر کن .

با بدان کم نشین که صحبت بد / گر چه پاکی تو را پلید کند
مثال دیگر : عزّت از خواری نشناخته ای / عمر در خار کشی باخته ای

مثال دیگر : بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار
خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

۵ - تکرار

هرگاه نویسنده بخواهد بر چیزی تأکید کند آن را تکرار می کند ، این تکرار آگاهانه بر تأثیر سخن می افزاید ؛ مثال :

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره ، رو به رو
شرح دهم غم دلم نکته به نکته ، مو به مو
از درد سخن گفتن و از درد شنیدن
با مردم بی درد ندانی که چه دردی است

۱- مراعات نظیر - شبکه ی معنایی

مراعات نظیر آن است که در یک نوشته (شعر یا نثر) کلماتی آورده شود که از جهتی با هم مناسبت داشته باشند ، مثلاً از یک جنس باشند یا این کلمات همراه هم باشند. (مراعات نظیر دست کم باید دو کلمه ی متناسب داشته باشد).

توضیح: معمولاً این کلمات را می توان اعضای یک مجموعه دانست ؛ مثال ها :

زنگ تفریح را که زنجره زد	باز هم در کلاس غوغا شد
جهان چون چشم و گوش و خال و ابروست	که هر چیزی به جای خویش نیکوست
گریه شمع از برای ماتم پروانه نیست	صبح نزدیک است در فکر شب تار خود است

۲- واج آرای (نظم حروف)

گاهی شاعر حرفی را در یک بیت چند بار تکرار می کند و این تکرار باعث زیباتر و خوش آهنگ تر شدن شعر می شود ؛ مثال :

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است "منوچهری" در این بیت تکرار "خ" و "ز" آشکارا آهنگ شعر را زیباتر کرده و گویی شنونده صدای خش خش برگ ها و زوزه باد پاییزی را می شنود .

هان ای شب شوم وحشت انگیز تا چند زنی به جانم آتش

یا چشم مرا ز جای برکن یا پرده ز روی خود فروکش "نیمایوشیح" ؛ در این بیت شاعر با شش بار تکرار "ش" آهنگ سکوت شبانگاهی را به گوش خواننده می رساند .

خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد که تا زخال تو خاکم شود عبیر آمیز " حافظ " ۹ بار تکرار «ا» و ۷ بار تکرار «خ»

۳- مبالغه یا بزرگنمایی

مبالغه آن است که شاعر یا نویسنده چیزی را خیلی بیشتر از حد واقعی نشان دهد به عنوان مثال ، اگر چه در جنگ تحمیلی کشور های زیادی به صدام کمک می کردند ، اما «نصف جهان» در شعر زیر مبالغه است:

آن طرف نصف جهان با تانک های آتشین در راه / این طرف ، ایرانیان تنها

مثال دیگر: شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

۴- کنایه

کنایه جمله یا عبارتی است که دو معنی دارد ؛ معنی نزدیک و معنی دور ، ولی مقصود گوینده معنی دور آن است ؛

مثال : « از گفته او مپیچ سر را » معنی نزدیک این مصراع آن است که هنگام شنیدن سخن او (پدر) سر خود را نچرخان ؛ اما مقصود شاعر معنی دور آن است؛ یعنی نافرمانی نکن .

مثال دیگر : «هنوز از دهانت بوی شیر می آید.» کنایه از این که تو کودک هستی و یا « فلانی ریش سفید است.» کنایه از این که پیر است.

۵- جناس

جناس آن است که نویسنده یا شاعر کلماتی را بیاورد که دارای حروف همجنس باشند، جناس انوعی دارد:

الف - جناس نام (همسان): تمام حروف و حرکات دو کلمه مانند یکدیگر است ، اما معنی آن ها متفاوت.

بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت **ب- جناس ناقص (ناهمسان)**

حرکتی: دو کلمه فقط در حرکت ها با هم فرق دارند؛ مثال: مَلک را همین مَلک پیرایه بس/ که راضی نگردد به آزار کس

پ- جناس ناقص (ناهمسان) اختلافی: دو کلمه فقط در یک حرف با هم فرق دارند ؛ مثال: ای هدهد صِبا به سِبا می فرستمت/ بنگر که از کجا به کجا می فرستمت

ت- جناس ناقص (ناهمسان) افزایشی: یکی از کلمه ها یک حرف بیشتر دارد؛ مثال : ای نام تو بهترین سرآغاز / بی نام تو نامه کی کنم باز

توضیح: بیان انواع جناس برای یافتن جناس در کلام است و البته حفظ این تعریف ها لزومی ندارد.